

## با اعترافات ۲ عضو باند نقاب داران مسلح لورفت

# ماجرای دستبرد تبهکاران مخوف به محموله طلا

## طلاها با اتوبوس از زابل به مشهد حمل شده بود!

**سجادپور** - همه چیز طبق نقشه پیش می‌رفت، با وجود این یک بار دیگر جزئیات دستبر ده محموله طلای اتوبوس را مرور کردند. طبق محاسبات تبهکاران، اتوبوس سفید رنگ که شب قبل از زابل به مقصد مشهد حرکت کرده بود، حدود ساعت ۷ به عوارضی می‌رسید. هنوز ۳ ساعت دیگر فرصت داشتند تا آخرین قطعه پازل را تکمیل کنند. اسلحه وینچستر را زیر صندلی خودروی پژو پارس نقره‌ای گذاشتند که بامداد بیست و یکم اردیبهشت از بولوار دانشجوی مشهد سرت ک کرده بودند. اسلحه را «س» (یکی از سارقان) چندی قبل به مبلغ ۳/۵ میلیون تومان خریده بود اما آن‌ها برای اجرای بی نقص این نقشه شوم به یک خودروی دیگر هم نیاز داشتند به همین دلیل هر چهار نفر درون پژو پارس نقره‌ای سرتی نشستند و به طرف خیابان اقبال لاهوری رفتند و خودروی پژو پارس سفید رنگی را از حاشیه بولوار سرت کردند. حالا دیگر همه مقدمات فراهم شده بود. نگاهی به ساعت انداختند و در حالی که داخل هر خودرو دو نفر از تبهکاران مخوف نشسته بودند به سوی بزرگراه شهید شوشتری حرکت کردند تا در محل عوارضی منتظر اتوبوس سفید رنگ بمانند. اطلاعات تبهکاران بسیار دقیق بود به گونه ای که چند دقیقه بعد اتوبوس سفید رنگ در حالی که سکوت فضای صبحگاهی را می شکست از عوارضی عبور کرد. سر نشینان خودروهای پژو نیز که با بودن مسافران داخل اتوبوس اوضاع را مناسب نمی‌دیدند با فاصله حدود ۵۰۰ متری به تعقیب اتوبوس پرداختند تا این که اتوبوس در اطراف پایانه مسافربری و در نزدیکی بولوار عدل خمینی (ره) متوقف شد. در این هنگام هشت چشم تبهکار حرکات و رفتارهای راننده اتوبوس را زیر نظر گرفته بود. در زمان مسلح می‌دانستند که قرار است فردی برای تحویل محموله سنگین طلاها به راننده مراجعه کند. این انتظار زیاد طول نکشید چرا که راننده و سر نشین یک دستگاه پراید منتظر اتوبوس بودند و به محض پیاژه شدن مسافران راننده پراید کنار اتوبوس رفت و در حالی ساک حاوی ۹ کیلو و ۳۰۰ گرم طلای ذوب شده را تحویل گرفت که راننده اتوبوس سعی می‌کرد استرس و نگرانی خود را پنهان کند. با وجود این «احمد» راننده ۳۵ ساله پراید، محموله طلا را به سر نشین ۲۰ ساله داد و به طرف کارگاه طلاسازی حرکت کرد اما وقتی به دلیل مسدود بودن اطراف میدان، از دور بر گردان بولوار نامجو وارد بزرگراه شد، ناگهان از آینه خودرو، پژو پارس سفید رنگی را دید که او را تعقیب می‌کند. راننده ۳۵ ساله که احساس ترس کرده بود بانگرانی پدال گاز را فشرده تا به میدان الغدیر رسید ولی در یک لحظه پژو او سبقت گرفت و مسیر حرکتش را سد کرد اما به

دلیل توقف ناگهانی پژو، برخوردی بین دو خودرو رخ داد. پراید سوار که دیگر یقین داشت تبهکاران قصد دستبرد به طلاها را دارند و وحشت زده دنده عقب گرفت تا از کنار پژو فرار کند ولی پژوی نقره‌ای راه فرار او را بسته بود. هنوز سر نشینان پراید در شوک بودند که صدای هولناک شلیک گلوله



خودروی سارقان و طلاهای کشف شده

در فضا پیچید. دو تن از سر نشینان پژو در حالی که اسلحه وینچستر و چاقو در دست داشتند به طرف پراید هجوم بردند. «احمد» از شدت ترس قفل مرکزی را زده اما مهاجمان مسلح که صورت خود را با ماسک بهداشتی پوشانده بودند، دو تیر هوایی دیگر شلیک کردند و با ایجاد فضای

رعب و وحشت، به طرف سر نشین پراید حمله ور شدند. آنان با قنداق اسلحه، شیشه پراید را شکستند و در حالی که موجی از ترس را در منطقه به راه انداخته بودند، ساک حاوی طلاهای



۲ عضو باند تبهکاران مسلح

ذوب شده را از سر نشین ۲۰ ساله پراید گرفتند اما پژو پارس سفید به دلیل تصادف با پراید از جاده خارج شده بود و قادر به حرکت نبود به همین دلیل در دان مسلح، بلافاصله به درون پژوی نقره‌ای پریدند و به سمت شهرک عسگریه گریختند. پراید سواران که نمی‌خواستند به همین راحتی قربانی نقشه شوم تبهکاران شوند، ضمن دادن گزارش سرت مسلحانه به پلیس ۱۱۰، به تعقیب پژو سواران پرداختند ولی آن‌ها با سرعت سرسام‌آوری ویران می‌دادند و به چیزی جز فرار از مهلکه نمی‌اندیشیدند. پراید سواران که در میان خودروهای متعدد عبوری بزرگراه گیر افتاده بودند بعد از چند دقیقه تعقیب، پژو سواران را گم

دستگیری تبهکاران مسلح اقدام کنند. به همین دلیل گروه تاجر به ای کار آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به فرماندهی و هدایت سر هنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) در حالی رصدهای اطلاعاتی را آغاز کردند که به دستور سر هنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی) گروهی از کارشناسان تخصصی اداره اطلاعات جنایی نیز به یاری گروه ویژه عملیاتی آمدند. از سوی دیگر حساسیت خاص سردار «محمد کاظم تقوی» به جرایم مخل امنیت عمومی، موجب شد کار آگاهان با نظارت مستقیم و استفاده از کوله بار سال‌ها تجربیات



اسلحه وینچستر سارقان

انتظامی رئیس پلیس خراسان رضوی در چند شاخه اطلاعاتی و عملیاتی به پیگیری پرونده تبهکاران مسلح پیروانند. هنوز ساعتی از دستبرد مسلحانه نگذشته بود که کار آگاهان، خودروی پژو پارس نقره‌ای را در منطقه سیدی مشهد پیدا کردند که رها شده بود اما بررسی‌های اولیه طبق



فرضیه دقیق کار آگاهان نشان داد که خودروی مذکور نیز سرتی و چند ساعت قبل مورد دستبرد قرار گرفته است. در عین حال با اثر برداری از خودروی سرتی، سلاح وینچستر از زیر صندلی آن کشف شد و این خودروی آسیب دیده نیز به مقر انتظامی انتقال یافت.

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، جلسه تجزیه و تحلیل این جرم مسلحانه که موجب ایجاد وحشت در مردم شده بود، دقیقی بعد از این ماجرا به ریاست سر هنگ شفیع زاده در اداره جنایی پلیس آگاهی بر گزار شد و فرضیه‌های پلیس با چهره نگاری فوری از متهمان فراری مورد بررسی‌های دقیق قرار گرفت. کار آگاهان با توقیف اتوبوس و استفاده از ردیابی‌های تخصصی به سر نخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد تبهکاران مسلح از طریق صحبت‌های راننده اتوبوس از ماجرای حمل طلاهای ذوب شده، مطلع شده و این نقشه شوم را زیر کانه طرح کرده‌اند. کار آگاهان دایره مبارزه با سرت‌های مسلحانه پلیس آگاهی، با جمع‌آوری مستندات انکارناپذیر موفق شدند روز بعد از این ماجرا، چهار متهم پرونده را شناسایی کنند که دو تن از آنان در منطقه قاسم‌آباد حضور داشتند بنابر این کار آگاهان در دو عملیات جداگانه و ضربتی

در حالی که توسط سر هنگ غلامی ثانی هدایت می‌شدند، دو متهم به نام‌های سهیل و امیر را دستگیر کردند و به اتاق بازجویی اداره جنایی انتقال دادند. متهمان که ابتدا منکر ارتکاب هر گونه جرمی بودند، در نهایت با مشاهده دلایل مستند و انکارناپذیر کار آگاهان، لب به اعتراف گشودند و به تشریح ماجرای سرت مسلحانه پیروان پرداختند. یکی از متهمان در بازجویی‌های تخصصی گفت: وقتی خودروی سرتی پژو نقره‌ای را در منطقه سیدی راها کریم، هر چهار نفر سوار بر خودروی من شدیم که در همان منطقه پارک کرده بودم. سپس به طرف منزل آباد رفتیم و طلاها را که به صورت شمش درآمده بود، درون منلی مخفی کردیم اما روز بعد احتمال دادیم که پلیس رطلاها را بزند و ما را دستگیر کند، بنابر این نقشه دیگری کشیدیم. طلاها را از آن جابه‌باغ‌پدر «امیر» (یکی از متهمان دستگیر شده) در منطقه شاندیز بردیم و آن‌جا زیر خاک مخفی کردیم. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، گروه عملیاتی کار آگاهان بی‌درنگ و با هماهنگی قضایی به باغ‌مذکور رفتند و طلاها را از زیر خاک بیرون کشیدند.

این گزارش حاکی است، با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی باز پرس محمودی (قاضی شعبه ۹۰۱ دادسرای عمومی و انقلاب)، تحقیقات گسترده برای دستگیری متهمان فراری در حالی آغاز شده است که بررسی‌های برای کشف زوایای پنهان این پرونده سرت مسلحانه همچنان ادامه دارد. بنابر گزارش خراسان، سکاندار امنیت خراسان رضوی نیز ضمن قدر دانی از تلاش ۷۲ ساعته و بی‌وقفه کار آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی، به روند پیچیده اطلاعاتی این پرونده اشاره کرد و گفت: حمل طلا با اتوبوس آن هم بدون رعایت نکات امنیتی، به یقین موجب وسوسه مجرمان و تبهکاران می‌شود که باید بنکداران و طلافروشان با همکاری اتحادیه‌ها، برنامه‌هایی را برای پیشگیری از وقوع چنین جرایم خطرناکی طرح‌ریزی کنند. سردار محمد کاظم تقوی از سوی دیگر به مجرمان و خلافکاران نیز هشدار داد: یقین بدانید که در صورت ارتکاب جرایم مخل امنیت عمومی، پلیس مجرمان را از هر سو راختی بیرون می‌کشد و به دستگاه عدالت تحویل می‌دهد به طوری که مجازات‌های سنگینی در انتظار آنان است.

وی افزود: پس قبل از هر گونه ارتکاب جرم، ابتدا به عاقبت آن بیندیشید و دست از اعمال خلاف بردارید. سردار تقوی همچنین با تقدیر از صدور دستور اتویزه قضایی برای دستگیری اعضای این باند تصریح کرد: عملیات پلیس برای ریشه‌یابی این پرونده ادامه دارد.

### در امتداد تاریکی

## سرگذشت مادر عاصی و دختر سرکش!

سرگذشت من به اندازه‌ای تاسف بار و رقت برانگیز است که دیگر تحمل خلا فکری‌ها و سقوط دخترانم در منجلاب فساد را ندارم و نمی‌توانم سرکشی و بیکه‌تازی‌های آن‌ها را تاب بیاورم، به گونه‌ای که در پارتی‌های شبانه... زن ۲۷ ساله که در پی شکست دختر مطلقه‌اش مبنی بر کتک کاری و بیرون انداختن از منزل، به کلانتری احضار شده بود، را ز سال‌ها زندگی فلاکت بارش را فاش کرد و درباره سرگذشت غمبار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم‌آباد مشهد گفت: در یک خانواده ۱۲ نفره به دنیا آمدم. پدرم کارگر ساده‌امور ساختمانی بود و به سختی می‌توانست مخارج زندگی و هزینه‌های فرزندان‌ش را تامین کند، به همین دلیل دقتی در ازدواج آن‌ها نداشت و تلاش می‌کرد هر چه زودتر فرزندانش را عروس و داماد کند. در همین حال مرا که آخرین روزهای ۱۶ سالگی را سپری می‌کردم به عقد یکی از بستگان درویش در آوردم. تا به خود آمدم خیلی ساده و راحت مراسم عقد کنار و جشن ازدواج برگزار شد و من در مدت کوتاهی زندگی مشترکم را با «اسکندر» آغاز کردم، اما او جوانی رفیق باز بود و هیچ توجهی به من نداشت. او که بیکار بود، بیشتر اوقاتش را با دوستانش می‌گذراند و هیچ نفقه‌ای برای مخارج زندگی به من نمی‌داد. وقتی در هنگام به‌خانه می‌رسید، بوی زنده مشروبات الکلی در فضای اتاق می‌پیچید. او از حالت طبیعی خارج می‌شد و اعتراض‌هایم را با مشت و لگد پاسخ می‌داد. شرایط سخت زندگی ام به جایی رسید که دیگر تحملم را از دست دادم و در دوره‌ای طلاق با ادامه زندگی باقی ماندم، چرا که با گرفتن طلاق و بازگشت به خانه پدرم بر بدبختی‌ها و مشکلاتم افزوده می‌شد. در حالی که با این تردید دست و پنجه نرم می‌کردم، متوجه‌شدم باردار هستم و دیگر مجبور به ادامه زندگی بودم ولی «اسکندر» که با رفیق بازی‌هایش درگیر اعتیاد شده بود، روزگاری را من تلخ‌تر کرد و خودش آلوده‌خرده فروشی مواد مخدر، به بازگشت به دنیا آمدن دخترم، در حالی که هنوز دوران نقاهتم را سپری می‌کردم، همسرم به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دستگیر و روانه زندان شد. دیگر تردیدهایم را بین رفت و با گرفتن طلاق غیابی به خانه پدرم باز گشتم. مشکلات خانواده پدری ام از یک سو و گرفتاری مالی من برای سرو سامان دادن «نفیسه» از طرف دیگر، مرا به فکر ازدواج مجدد انداخت، چرا که احساس می‌کردم باید سرپناهی برای خود و دخترم پیدا کنم. این بود که چند ماه بعد با یک جوان تبعه افغانستان آشنا شدم و تصمیم به ازدواج گرفتم. «سلیمان» یکی از دوستان پدرم بود که از چند سال قبل به طور غیرمجاز در ایران سکونت داشت. اگر چه او هم آلوده به مواد مخدر بود و کنار پدرم کارگری می‌کرد اما حاضر شد سرپرستی دخترم را نیز بپذیرد و من از این موضوع خوشحال بودم. خلاصه، به عقد سلیمان درآمدم و زندگی جدیدم را در حالی آغاز کردم که او همان درآمدا نندک کارگری را صرف مخارج زندگی می‌کرد ولی از آن جایی که سر نوشت من به تاریکی و تباهی گره خورده بود، و نیز دست‌بزن داشت و با هر بهانه‌ای کتکم می‌زد. سکونت غیرمجاز او در ایران موجب شده بود از بسیاری امکانات اجتماعی محروم باشد. به همین دلیل با عصبانیت و پر خاشگری عقده‌های بیرون از منزل را بر سر من خالی می‌کرد. اما من همچنان مجبور به سکونت بودم. این زندگی نیز مدت زیادی دوام نداشت چرا که همزمان با به دنیا آمدن دختر دیگر، ما نیز به افغانستان بازگشت و مرا طلاق داد. حالا من مانده بودم و دخترانی که آینده‌شان نگرانی می‌کرد.

خلاصه از پاننشتیم و برای سعادت و خوشبختی دخترانم تلاش کردم. با آن که نفیسه و نسیم ناتنی بودند ولی نگذاشتم این موضوع تأثیری بر زندگی آن‌ها بگذارد. بالاخره چند سال بعد نفیسه در حالی که به دختری سرکش و ناسازگار تبدیل شده بود با اصرار همه‌اش به عقد خواهرزاده شوهر سابقم درآمدم و به خانه بخت رفت. نفیسه مرا ترک کرد و هیچ وقت سراغی از من نگرفت چرا که نزد خانواده پدری‌اش زندگی می‌کرد اما یک سال قبل به طور ناگهانی به سراغم آمدم و می‌شد از همسرش جدا شده است! من هم دخترم را با آغوش باز پذیرفتم ولی او به زنی رفیق باز و خوش گذران تبدیل شده بود. دیگر همواره در شب نشینی‌ها و پارتی‌ها شرکت می‌کرد و در حالی که با کشیدن سیگار و نوشیدن مشروبات الکلی حالت طبیعی نداشت، سحرگاه در خانه می‌شد و تا بعد از ظهر روز بعد می‌خوابید. او دختر کوچک و ساده‌ویی آیش دیگرم را نیز با خودش همراه کرده بود و به پارتی‌هایم می‌برد. بارها را او خواستم خواهرش را به تباهی نکشاند و من مرا ترک کند ولی با من درگیری می‌شد تا جایی که هنگام درگیری سرش به مبل خورد و زخمی شد. حالا همه می‌خواهد دختر دیگرم نیز قربانی وسوسه‌های شیطانی خواهرش شود...

شایان ذکر است، این پرونده توسط مشاوران زبده کلانتری و در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

### حادثه در قاب



فرونشست حیاط منزل مسکونی در مشهد

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد تعداد ۱۵۰۰ اصله انواع پایه‌های سیمانی اسقاط خود را از طریق مزایده واگذار نماید. داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس‌های ذیل مراجعه فرمایند.

۱- مشهد - بولوار وکیل آباد - بولوار شهید صیاد شیرازی، صیاد شیرازی ۳۵، اداره انبارهای شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد تلفن: ۳۸۶۶۰۸۶۰

۲- سایت معاملات توانیر [www.tavanir.org.ir](http://www.tavanir.org.ir)

۳- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد [www.Meedc.ir](http://www.Meedc.ir)

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد

[www.meedc.ir](http://www.meedc.ir)

**آگهی مزایده عمومی شماره ۹۹/۱۰۲**

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد تعداد ۱۵۰۰ اصله انواع پایه‌های سیمانی اسقاط خود را از طریق مزایده واگذار نماید. داوطلبان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس‌های ذیل مراجعه فرمایند.

۱- مشهد - بولوار وکیل آباد - بولوار شهید صیاد شیرازی، صیاد شیرازی ۳۵، اداره انبارهای شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد تلفن: ۳۸۶۶۰۸۶۰

۲- سایت معاملات توانیر [www.tavanir.org.ir](http://www.tavanir.org.ir)

۳- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد [www.Meedc.ir](http://www.Meedc.ir)

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد

[www.meedc.ir](http://www.meedc.ir)

**۱۵۰۰ متر انبار در موقعیت مکانی مناسب با بهترین امکانات شامل نگهبانی ۲۴ ساعته**

**دوربین مدار بسته - ۴ دستگاه لیفتراک - با کادری مجرب آماده ارائه خدمات انبارداری جهت کالاهای شما می‌باشد**

**تلفن تماس: ۰۹۱۵۱۰۶۹۲۵۳**